

۶

اطمینان بخشی رسمی درباره درآمدهای ارزی، و حفظ ثبات بورس و بازار کالاهای اساسی در این مسیر راهگشا است.

۶. فعال سازی چهره‌های مستقل دانشگاهی

افکار عمومی به روایت کارشناسان غیررسمی بیشتر اعتماد دارد. از همین رو استفاده از مقالات تحلیلی، میزگردهای تخصصی و یادداشت‌های نخبگان مستقل برای توضیح واقع‌بینانه وضعیت فعلی کشور و پرهیز از شعارهای ساختارشکنانه مثل بستن تنگه هرمز و خروج از ان‌پی‌تی که دشمنان ایران را بیشتر متحد می‌کند.

۷. بهره‌گیری بیشتر از فضای مجازی

در حال حاضر در جهان واقعی رسانه‌های اجتماعی مهم‌ترین جبهه برای روایت‌سازی‌اند.
براین اساس طراحی کمپین‌های هدفمند (هشتگ، اینفوگرافی، ویدئوهای کوتاه) برای توضیح ابعاد حقوقی، اقتصادی و سیاسی مکانیزم ماشه به زبان ساده یک ضرورت ملی برای همه کسانی که ایران را دوست دارند محسوب می‌شود.

۷ نتیجه‌گیری

فعالسازی مکانیزم ماشه و بازگشت ناگزیر ۶ قطعه‌نامه تحریمی شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، بیش از آن‌که تهدیدی اقتصادی برای ایران باشد، یک چالش حقوقی و روانی است که نیازمند مدیریت هوشمندانه استراتژیک در عرصه افکار عمومی است. اگر دولت بتواند با صداقت، صراحت و منطق، روایت خود را به افکار عمومی منتقل کند، می‌تواند این رخداد را نه‌به‌عنوان شکست، بلکه به‌عنوان فرصتی برای بازسازی انسجام داخلی و نمایش استقلال سیاسی کشور به تصویر بکشد.

۷

کشورهای عربی یکدست‌نستند. کشورهایی مانند اردن و مصر توافق صلح رسمی با اسرائیل دارند. اردن موقعیت شکننده امنیتی در مقابل اسرائیل دارد و در عین حال در مدار آمریکا قرار دارد و از کمک‌های نظامی و مالی آمریکا بهره‌مند می‌شود و توافق تجارت آزاد با آمریکا دارد. باید مشخص کنیم کدام کشور عربی؟ در شمال آفریقا مراکش اساساً ارتباط دیپلماتیکش را با ایران قطع کرده و روابطش را با اسرائیل عادی سازی کرده‌است، در برابر الجزایر روابط بهتری با ایران دارد. لیبی و سودان دچار جنگ داخلی هستند...

«مظلوم کشورهای عربی پیرامون ایران بود و می‌خواهم بدنام بعد از جنگ ۱۲ روزه چه‌نگاهی به ترتیبات امنیتی منطقه‌دارند؟

کشورهایی که عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند، خودشان را در مرکز ثقل تحولات خاورمیانه می‌بینند و خودشان را موتور توسعه خاورمیانه می‌دانند. سفر بهار امسال ترامپ به منطقه هم تأییدی بر این موضوع بود. بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، این کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بودند که کمترین آسیب نظامی و مالی را از تحولات منطقه دیده‌اند. در برابر طرف‌های دیگر از جمله ایران، سوریه، لبنان، یمن، لیبی و حتی اسرائیل درگیر منازعه بودند، انرژی‌شان صرف شده و دچار فشارهای مالی شده‌اند. اما کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی و امارات متحده عربی، هنوز از لحاظ مالی خیلی قدرتمند هستند، از نظر نظامی آسیبی ندیده‌اند و انسجام داخلی خوبی دارند. همه این مسائل باعث شده‌است که این کشورها بتوانند با محوریت فناوری‌های جدید، انرژی‌های تجدیدپذیر، تکیه بر روندهای نوظهور مانند هوش مصنوعی و تنوع‌بخشی به اقتصاد تبدیل به موتور توسعه اقتصادی منطقه شوند. دونالد ترامپ هم با این پروژه همراهی کرده‌است.

در این چارچوب کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس به این نتیجه رسیده‌اند که تضعیف رقبای منطقه‌ای به نفع آنهاست. بنابراین درگیری میان ایران، ترکیه و اسرائیل تا حد معینی به نفع کشورهای جنوب خلیج فارس است، چراکه باعث می‌شود سه قدرت رقیب در منطقه بیش از پیش تقویت نشوند و تهدیدی علیه کشورهای آسیب‌پذیر شورای همکاری خلیج فارس نباشند. این ۶ کشور عمدتاً آسیب‌پذیری‌های دفاعی و امنیتی دارند. اما در عین حال باید توجه داشت که این کشورها همانقدر که علاقه‌ای ندارند ایران بیش از حد قوی شود، از اینکه اسرائیل هم قوی باشد، بیش از حد نگران هستند. به همین دلیل هم هست که اخیراً بیشتر می‌شنویم که بعد از جنگ ۱۲ روزه، عربستان تمایل بیشتری دارد که به ایران و ترکیه نزدیک شود تا در مقابل اسرائیل توازن قوا ایجاد کند.

نظام منطقه خاورمیانه یک نظام چندقطبی است که پنج قدرت اصلی در آن حضور دارند: ایران، عربستانی، مصر، ترکیه و اسرائیل. بعد از اینکه قدرت مصر در پیمان کمپ دیوید رو به افول گذاشت و بعد از بهار عربی تقریباً از بازی خارج شد، رقابت در منطقه بیشتر میان چهار بازیگر باقیمانده است. تا قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، رقابت اصلی میان ایران، ترکیه و عربستان سعودی و متحدان آنها جریان داشت که باعث شد توان اقتصادی این کشورها در این رقابت مصروف شود. اسرائیل تا ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا حدود زیادی تماشاکر تحولات منطقه بود. اما بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل با رویکرد تهاجمی خشن با برتری نظامی و کمک آمریکا سعی دارد که توازن قدرت را به نفع خودش تغییر دهد. این مسئله مایه نگرانی کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس است، اما به این معنا نیست که نگرانی آنها از جانب ایران برطرف شده‌است. در واقع احساس کشورهای جنوب خلیج فارس این است که بعد از وقایع اخیر، باید جلوی قدرتمندتر شدن اسرائیل را گرفت و در همین چارچوب تمایل دارند که مجموعه‌ای از همکاری‌ها را با ایران در پیش بگیرند.

اظهارات روز شنبه سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نشان می‌داد که ایران همچنان بر حق غنی‌سازی اصرار دارد و در مورد هیچ موضوع دیگری جز پرونده هسته‌ای آمادگی مذاکره ندارد. فکر می‌کنید چرا موضوع ایران بدون تغییر مانده‌است؟

البته شروط ایران برای مذاکره تغییر کرده‌است، چراکه تا پیش از این شرط تضمین اجتناب از اقدام نظامی، وجود نداشت اما در مجموع من موافقم که هنوز نگاه قبلی بر مذاکرات حاکم است. همانطور که بالا گفتیم تعریف ایران از مذاکره کلاً با ترامپ متفاوت است، ایران می‌خواهد در مورد درصد غنی‌سازی، حجم اورانیوم غنی‌شده قابل نگهداری در خاک ایران و نوع تحریم‌هایی که باید برداشته‌شوند، حوزه‌هایی که باید معافیت تحریمی بگیرد و امثال این جزئیات مذاکره کنند. پنج دور مذاکره غیرمستقیم میان ایران و آمریکا نشان داد که مذاکرات اینگونه به نتیجه نمی‌رسد. علاوه بر این فرمت مذاکراتی که انتخاب شده‌است، یعنی مذاکره غیرمستقیم از طریق تبادل یادداشت در اتاق‌های جداگانه، قادر به حل مسئله و گره‌ای به این دشواری و پیچیدگی نیست. در نتیجه ایران باید با توجه به تجربه‌هایی که از پنج دور مذاکره پیشین، رفتار ترامپ و حمله اسرائیل به ایران کسب کرد نوع مذاکره کردن و نگاهش به مذاکره تجدیدنظر کند. ایران باید به دقت ارزیابی کند که ترامپ کجا به حرف‌هایش عمل کرده‌است، کجا تجدیدنظر کرده‌است و در طول مذاکرات خواسته‌های آمریکا چه بوده و چه تغییراتی کرده‌است. این ارزیابی باید توسط یک نهاد تخصصی مسئول انجام شود تا نقاط ضعف و قدرت ایران در مذاکره مشخص شود و برآوردی به دست بیاید که در طول مذاکرات کجا به نقطه بهینه توافق نزدیک شدیم و چرا از آن دور شدیم. به نظر من اگر ایران بدون چنین ارزیابی‌ای مجدداً وارد مذاکرات شود، آمیدی به توافق نخواهد بود.

«نقش بازیگران دیگر در این میان چیست؟ آیا بازیگران واسطه و میانجی مانند روسیه یا همسایگان عرب ایران می‌توانند کمکی به نزدیک کردن دیدگاه‌های تهران و واشنگتن برای از سرگیری مذاکرات کنند؟

به گمان من بعد از وقایع ۲۳ خرداد و تجاوز نظامی اسرائیل به ایران هم برداشت میانجی‌ها نسبت به ما تغییر کرده‌است و هم برداشت ما نسبت به آنها تغییر کرده‌است. برای مثال اگر به روسیه نگاه کنیم، بسیاری در ایران، حتی کسانی که طرفدار همکاری‌های گسترده با روسیه بودند، گفتند که روسیه در این جنگ برخلاف انتظار ایران عمل کرد. این مسئله مهمی است، اعتمادی که شاید ایران در گذشته به برخی از بازیگران داشت، طبیعتاً دیگر از بین رفته‌است. در نقطه مقابل هم ارزیابی این بازیگران و میانجی‌ها از قدرت نظامی و قدرت دیپلماتیک ایران هم بعد از جنگ تغییر کرده‌است، برخی ممکن است به این تصور رسیده‌باشند که ایران ضعیف‌تر شده‌است و گروهی هم ممکن است به این برداشت رسیده‌باشند که ایران در جایگاه قدرتمندتری قرار گرفته‌است. اما به نظر می‌رسد که برداشت کلی این است که شرایط به نفع ایران پیش نرفته‌است. تغییر نگاه هم از جانب ایران و هم از جانب کشورهایی که می‌توانستند میانجی بالقوه باشند، بر نحوه بازیگری آنها اثر خواهد گذاشت. دیگر عمان آن انرژی، انگیزه و توان قبل از جنگ را نداشته‌باشد. ایران هم مثل قبل نمی‌تواند دیگر به میانجی‌ها اعتماد کامل داشته‌باشد. در این چارچوب، احتمال مذاکره و توافق به لحاظ نحوه بازیگری میانجی‌ها و واسطه‌ها هم پیچیده‌تر و مشکل‌تر از قبل شده‌است.

«اساساً نگاه کشورهای عربی منطقه به آرایش ژئوپلیتیک منطقه بعد از جنگ ۱۲ روزه چگونه‌است؟

بسیار ضروری است.

۲. برجسته‌سازی بی‌اثر بودن واقعی تحریم‌های بازگشتی

با داده‌های اقتصادی نشان داده شود که این قطعه‌نامه‌ها تحریم جدیدی به همراه نمی‌آورند. به این منظور گزارش‌های تصویری و آماری درباره ثبات صادرات نفت، ذخایر ارزی، تداوم تجارت با همسایگان و شرق آسیا در سال‌های تحریم حداکثری اخیر بررسی و برای افکار عمومی در کلیپ‌های کوتاه تبیین شود.

۳. بازنمایی تناقض حقوقی آمریکا و ترونیکای اروپا

فعال‌سازی مکانیزم ماشه از سوی ترونیکای اروپا که خود تعهدات بر جامی را به بهانه تحریم‌های آمریکا اجرا نکردند، مشروعیت حقوقی ندارد. براین اساس استفاده از اساتید حقوق بین‌الملل و تحلیلگران مستقل برای تبیین این تناقض در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی می‌تواند در کلیپ‌های کوتاه موثر و روشنگرانه باشد به‌ویژه اگر به زبان‌های انگلیسی و عربی و فرانسوی برای مخاطبان غیرایرانی نیز تبیین شود.

۴. ارائه چشم‌انداز دیپلماتیک و حقوقی جدید

بازگشت قطعه‌نامه‌ها به معنای بن‌بست نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای فاز جدید مقاومت سیاسی و حقوقی است. گفت‌وگوی رسانه‌ای با وزیر خارجه برای تشریح برنامه مقابله حقوقی ایران در شورای امنیت و سایر نهادها بسیار ضرورت دارد.

۵. مدیریت اقتصادی

مدیریت بازار از طریق سیاست‌های پولی و مالی از طریق اقدام هماهنگ بانک مرکزی وزارت اقتصاد و وزارت نفت برای کاهش فشار روانی در بازار داخلی بسیار ضروری است. افزایش عرضه ارز در بازار،

رحمن قهرمان‌پور:

به گمان من بعد از

وقایع ۲۳ خرداد و

تجاوز نظامی اسرائیل

به ایران هم برداشت

میانجی‌ها نسبت به ما

تغییر کرده‌است و هم

برداشت ما نسبت به

آنها تغییر کرده‌است.

برای مثال اگر به روسیه

نگاه کنیم، بسیاری در

ایران، حتی کسانی که

طرفدار همکاری‌های

گسترده با روسیه

بودند، گفتند که

روسیه در این جنگ

برخلاف انتظار ایران

عمل کرد. در نقطه

مقابل هم ارزیابی این

بازیگران و میانجی‌ها

از قدرت نظامی و

قدرت دیپلماتیک ایران

هم بعد از جنگ تغییر

کرده‌است، برخی

ممکن است به این

تصور رسیده‌باشند

که ایران ضعیف‌تر

شده‌است و گروهی

هم ممکن است به این

برداشت رسیده‌باشند

که ایران در جایگاه

قدرتمندتری قرار

گرفته‌است. اما به نظر

می‌رسد که برداشت

کلی این است که

شرایط به نفع ایران

پیش نرفته‌است

نقطه عطف جدید تلقی کرد. چراکه:

۱. تحریم‌های فعلی آمریکا از سال ۲۰۱۸ تاکنون، بخش اعظم زیرساخت‌های اقتصادی و تجاری ایران را هدف گرفته‌اند. به‌ویژه تحریم‌های ثانویه، عملاً شرکت‌ها و بانک‌های غیرآمریکایی را نیز از همکاری با ایران بازداشته‌اند. بنابراین، اثر واقعی بازگشت این قطعه‌نامه‌ها بر اقتصاد ایران، بسیار محدودتر از گذشته خواهد بود. زیرا بازار ایران همین حالا هم در حال مبارزه با شدیدترین تحریم‌ها قرار دارد.

۲. نباید از اثر روانی و رسانه‌ای بازگشت این تحریم‌ها بر فضای داخلی کشور غفلت کرد. تلاطم احتمالی بازار ارز، نگرانی عمومی، و سوءاستفاده گسترده در رسانه‌های مخالف، می‌تواند فضای اقتصاد داخلی را در شرایط بحرانی قرار دهد. اینجاست که مدیریت افکار عمومی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

۳ پ. پیشنهادهایی برای مدیریت افکار عمومی در برابر بازگشت قطعه‌نامه‌های شورای امنیت

در ادامه، مجموعه‌ای از راهبردهای عملی و قابل اجرای رسانه‌ای و اجتماعی برای کاهش تبعات روانی و سیاسی این رویداد پیشنهاد می‌شود:

۱. پرهیز از انکار و ساده‌سازی

باید با مردم صادق بود. کوچک‌نمایی یا انکار مسئله تنها به بی‌اعتمادی اجتماعی می‌انجامد. روایت رسمی باید مبتنی بر شفافیت مسئولانه باشد. براین اساس مصاحبه شفاف از سوی یک مقام حقوقی معتبر برای توضیح ابعاد ماجرا، بدون استفاده از واژگان مبهم یا انفعالی

مذاکره، دو طرف نتوانستند به یک نقطه بهینه و توازن برسند. اما بعد از جنگ اخیر، وضعیت تفاوت کرده‌است و توازن بیش از پیش به هم خورده‌است. آمریکا به مراتب خودش را در موقعیتی قدرتمندتر از قبل از ۲۳ خرداد و جنگ ۱۲ روزه می‌داند و ایران هم به همین ترتیب خودش را در موقعیت ضعیف‌تری نسبت به قبل از جنگ احساس می‌کند. در چارچوب نظریه بازی‌ها، پیدا کردن نقطه بهینه و نقطه تعادل که پایدار باشد به مراتب سخت‌تر از قبل از ۲۳ خرداد شده‌است.

مسئله دوم اینکه برداشت دو طرف از آن چیزی که به عنوان مذاکره ایران و آمریکا شناخته می‌شود، فاصله قابل توجهی با یکدیگر دارد. به عنوان مثال آمریکا در هیچ یک از این دوره‌های مذاکرات تیم فنی هسته‌ای یا دفاعی برای مذاکره اعزام نکرده‌است. با انتصاب ویتکاف به عنوان مذاکره‌کننده، برداشت دونالد ترامپ این بود که توافقی کلی میان ایران و آمریکا صورت بگیرد. درست به همان ترتیب که دونالد ترامپ در دور نخست ریاست‌جمهوری‌اش با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی توافق کرد؛ هر چند آن توافق هرگز اجرایی نشد. اساساً کلیت مذاکرات ترامپ همواره به همین صورت است، او اساساً وارد بحث‌های فنی، حقوقی و جزئیات نمی‌شود. او علاقه‌مند است معامله کلی و ساده انجام دهد. در برابر ایران درک کاملاً متفاوتی از مذاکره با آمریکا داشت. طراحی ایران درست چیزی شبیه به طراحی مذاکرات برجام بود. هیئت‌های مذاکره‌کننده ایران شامل تیم‌های مذاکره‌کننده فنی هسته‌ای، مالی و بانکی بود. وقتی دو طرف وارد مذاکره می‌شدند، اساساً آمریکایی‌ها به این جزئیات توجه نمی‌کردند و فقط پیشنهادهای کلی بیان می‌کردند، که همین پیشنهادهای کلی هم به صورت مستمر عوض می‌شد. به این ترتیب اساساً به نظر می‌رسد که ایران و آمریکا در این دوره درک کاملاً متفاوتی از مسئله مذاکره دارند. آن چیزی که آمریکا می‌خواهد نوعی بسته پیشنهادی و یک توافق جامع کلی برای ایران است که ایران بدون ورود به جزئیات یکسری مسائل را بپذیرد و در ازای آن ترامپ هم بدون ورود به جزئیات وارد فرآیند لغو تحریم‌ها شود. مثلاً برای آمریکا دیگر اهمیت ندارد که به صورت جزئی تعیین کند تحریم‌های کدام افراد، نهادها، شرکت‌ها و چه کالاهایی حذف شود، بلکه همین که توافق انجام شود، ترامپ به انتخاب خود تحریم‌ها را لغو کند. انتظار ترامپ این بود که ایران یک بسته تعهدات کلی را بپذیرد و آمریکا هم به صورت یک بسته تحریم‌ها را لغو کند. ویژگی چانه‌زنی و معامله ترامپ همین است. ما با این دیدگاه وارد مذاکرات نشده‌ایم.

یک مسئله‌ای هم در دیدگاه ایران به مذاکرات با آمریکا وجود داشت که از برداشت غلط از رویکرد وروش ترامپ ناشی می‌شد. تصور این بود که ترامپ فردی تاجر و معامله‌گر است که مخالف جنگ است و پایگاه رای او اجازه وارد شدنش را به جنگ نمی‌دهند. اما واقعاً ۲۳ خرداد و جنگ ۱۲ روزه نشان داد که این ارزیابی از شخصیت و دولت ترامپ درست نبود، باید تهدیدهای ترامپ را جدی گرفت، باید ضرب‌الاجل ۶۰ روزه او جدی گرفته می‌شد. ترامپ هیچ علاقه‌ای ندارد که کسی در دنیا بالاتر از او قرار بگیرد، بنابراین اگر حرف بی‌پایه و اساسی هم زده‌باشد، لاجرم خودش را تحت فشار می‌گذارد تا آن را اجرا کند تا به قول معروف حساب دست دیگران بیاید.

بنا به دلایلی که گفته‌شد به نظر من نسبت به قبل از ۲۳ خرداد شرایط سخت‌تر شده‌است و حتی اگر مذاکرات هم شروع شود، امکان توافق این بار از ۵۰ درصد هم کمتر خواهد بود.

«اشاره کردید که توازن قوا و شرایط کلی حاکم

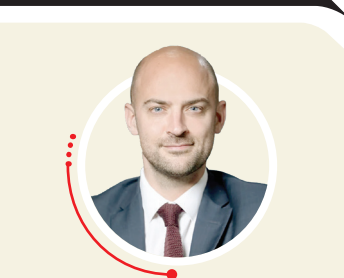
بر دیپلماسی بعد از جنگ تغییر کرده‌است

اما هم‌زمان به نظر می‌رسد که مواضع ایران

در مورد موضوع مذاکره و نتایجی که از

مذاکره انتظار دارد تغییری نکرده‌است.

دیپلمات‌ها



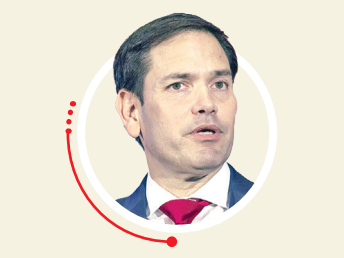
فعال سازی اسنپ‌بک حداکثر تا آخر ماه اوت

ژان نوتل بارو روز سه‌شنبه در آستانه برگزاری شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا به خبرنگاران در بروکسل گفت: «ما خواهان ازسرگیری فعالیت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آغاز یک روند دیپلماتیک هستیم که به یک راه‌حل مذاکره‌شده و کنترل فعالیت‌های هسته‌ای، موشکی و بی‌ثبات‌کننده ایران منتهی شود.»
بنا بر گزارش ایرنا، او با تکرار ادعاها درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان افزود: «این یک واقعیت است، ایران تعهداتی را که پذیرفته بود، نقض کرده‌است. فرانسه وشرکایش، باتوجه‌به توافق هسته‌ای ۱۰ سال پیش، حق دارند که تحریم‌های جهانی در حوزه تسلیحات، بانک‌ها و تجهیزات هسته‌ای را که در آن زمان لغو‌شده بودند، دوباره اعمال کنند.»
وزیر خارجه فرانسه ادعا کرد: «بدون تعهدی قوی، ملموس و قابل راستی‌آزمایی از سوی ایران، ما این اقدام را حداکثر تا پایان ماه اوت (۹ شهریور) انجام خواهیم داد.»
کایا کالاس، نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز صبح سه‌شنبه در آستانه نشست شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل به خبرنگاران گفت: «بازگشت به مسیر دیپلماسی و ازسرگیری مذاکرات با ایران در راستای منافع ماست. ما آماده‌ایم تا این روند را تسهیل کنیم.» وی همچنین با اشاره به نزدیک شدن به موعد انتقضای مکانیسم ماشه (اسنپ‌بک) در برجام افزود که این موضوع در نشست شورای وزیران بررسی خواهد شد.



نقش آفرینی چین در پرونده هسته‌ای

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار شبکه تلویزیون فونیکس چین در ایران با اشاره به سفر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به یکن برای شرکت در نشست وزیران امور خارجه سازمان شانگهای گفت: «این سفر فرصت خوبی است که در ملاقات با مقامات چین از جمله ملاقات با وزیر خارجه چین در ارتباط با آخرین روابط دوجانبه و مسائل امنیت غرب آسیا ارزیابی و گفت‌وگو کنیم.» وی با اشاره به تعاملات ایران و چین گفت: «ما با مقامات چین همواره در مورد آخرین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و مسائل دوجانبه رازنی و گفت‌وگو می‌کنیم و معتقدیم که چین می‌تواند نقش مهم و سازنده‌ای در هر روند دیپلماتیک مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران ایفا کند.»



رایزنی با متحدان اروپایی درباره ایران

وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد مارکو روبریو وزیر امور خارجه این کشور، با وزرای امور خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس به صورت تلفنی برای هماهنگی تلاش‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران و جنگ جاری در اوکراین گفت‌وگو کرد.
به گزارش ایرنا، تمی بروس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا شامگاه دوشنبه به وقت محلی اعلام کرد، مارکو روبریو وزیر امور خارجه دولت دونالد ترامپ در تماس تلفنی با همتایان اروپایی خود بر لزوم اطمینان از اینکه «ایران سلاح هسته‌ای تولید یا به دست نمی‌آورد» تأکید کرد.
به گفته سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، روبریو همچنین تأکید کرد که همچنان «اولویت دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین از طریق یک توافق پایدار مذاکره شده است.»